



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرمان

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان

در مورد توشیح قانون اساسی افغانستان

شماره (۱۰۳)

تاریخ ۱۳۸۲ / ۱۱ / ۷

بسم خداوند بزرگ و به آرزوی سعادت مردم نجیب و صلحدوست افغانستان، قانون اساسی جدید را که توسط لویه جرگه نارتکی ۲۲ فوس ال ۱۴ جدی ۱۳۸۲ هجری شمسی، مستفده شهر کابل در ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده به اتفاق آرا تصویب گردید، توشیح و انفاذ آنرا اعلام می دارم.

از بازگاه خداوند متعال استدعا دارم تا این قانون اساسی با رعایت احکام دین مبین اسلام، تحکیم وحدت منسی، تحقق اهداف دموکراسی، اعمار جامعه مدنی، رفاه همگانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، مشعل راه دولت و مردم کشور گردیده، صلح برابری و برادری را بین ملت افغانستان تأمین نماید.

ومن الله التوفیق

حامد کرزی

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان

۶ / دلو / ۱۳۸۲ هجری شمسی

شهر کابل

فهرست

عنوان

شماره صفحه

فصل اول: دولت (۲۱ ماده)	۱
فصل دوم: حقوق اساسی و وجایب	
اتباع (۳۸ ماده)	۷
فصل سوم: رئیس جمهور (۱۱ ماده)	
	۱۹
فصل چهارم: حکومت (۱۰ ماده)	۲۷
فصل پنجم: شورای ملی (۲۹ ماده)	
	۳۱
فصل ششم: لویه جرگه (۶ ماده)	۴۳
فصل هفتم: قضاء (۲۰ ماده)	۴۵
فصل هشتم: اداره (۷ ماده)	۵۳
فصل نهم: حالت اضطرار (۶ ماده)	۵۷
فصل دهم: تعدیل (۲ ماده)	۶۱
فصل یازدهم: احکام متفرقه (۷ ماده)	۶۳

فصل دوازدهم: احکام انتقالی (۵)
ماده) ۶۵

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ
وَ السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ
مُحَمَّدٍ (ص) وَ عَلَى آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ
أَجْمَعِينَ

مقدمه:

ما مردم افغانستان:

- با ایمان راسخ به ذات پاک خداوند(ج) و توکل به مشیت حق تعالی و اعتقاد به دین مقدس اسلام؛
- بادرک بی عدالتی ها و نابسامانی های گذشته و مصایب بی شماری که بر کشور ما وارد آمده است؛
- با تقدیر از فداکاری ها، مبارزات تاریخی، جهاد و مقاومت بر حق تمام مردم افغانستان وارج گذاری به مقام و الای شهدای راه آزادی کشور؛

- بادرك اين كه افغانستان واحد و يکپارچه به همه اقوام و مردم اين سرزمين تعلق دارد؛
- بارعايت منشور ملل متحد و با احترام به اعلاميه جهاني حقوق بشر؛
- به منظور تحکيم وحدت ملي و حراست از استقلال, حاکميت ملي و تماميت ارضي کشور؛
- به منظور تأسيس نظام متکي بر ارادة مردم و دموکراسي؛
- به منظور ايجاد جامعه مدني عاري از ظلم, استبداد, تبعيض, خشونت و مبتني بر قانونمندی, عدالت اجتماعي, حفظ کرامت و حقوق انساني وتأمين آزادي ها و حقوق اساسي مردم؛
- به منظور تقويت بنياد هاي سياسي, اجتماعي, اقتصادي و دفاعي کشور؛
- به منظور تأمين زندگي مرفه و محيط زيست سالم براي همه ساکنان اين سر زمين؛

▪ و سر انجام، به منظور تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در خانواده بین‌المللی؛ این قانون اساسی را مطابق با واقعیت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی کشور و مقتضیات عصر، از طریق نمایندگان منتخب خود در لویه جرگه مؤرخ چهار دهم جدی سال یک هزار و سه صد و هشتاد و دو هجری شمسی در شهر کابل تصویب کردیم.

فصل اول دولت

ماده اول: افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می‌باشد.

ماده دوم: دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می‌باشند.

ماده سوم: در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

ماده چهارم: حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به‌طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می‌کند.

ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند.

ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن،

بلوچ , پشه‌يي , نورستاني , ايماق ,
عرب , قرغيز , قزلباش , گوجر , براهوي
و ساير اقوام مي‌باشد .

برهر فردي از افراد ملت افغانستان
کلمه افغان اطلاق مي‌شود .

هيچ فردي از افراد ملت از تابعيت
افغانستان محروم نمي‌گردد .

امور مربوط به تابعيت و پناهندگي
توسط قانون تنظيم مي‌گردد .

ماده پنجم: تطبيق احکام اين قانون
اساسي و ساير قوانين , دفاع از
استقلال , حاکميت ملي و تماميت ارضي
و تأمين امنيت و قابليت دفاعي
کشور از وظيفات اساسي دولت مي
باشد .

ماده ششم: دولت به ايجاد یک جامعه
مرفه و مترقي بر اساس عدالت
اجتماعي , حفظ کرامت انساني , حمايت
حقوق بشر , تحقق دموکراسي , تأمين
وحدت ملي , برابري بين همه اقوام و
قبایل و انکشاف متوازن در همه
مناطق کشور مکلف مي‌باشد .

ماده هفتم: دولت منشور ملل متحد ,

معاهدات بین الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند.

دولت از هر نوع اعمال تروریستی، زرع و قاچاق مواد مخدر و تولید و استعمال مسکرات جلوگیری می‌کند.

ماده هشتم: دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله، حسن همجواری، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می‌نماید.

ماده نهم: معادن و سایر منابع زیر زمینی و آثار باستانی ملکیت دولت می‌باشد.

حفاظت و اداره اموال دولت و طرز استفاده درست از منابع طبیعی و سایر اموال عامه توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده دهم: دولت، سرمایه‌گذاریها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن

را تضمین می نماید.

ماده یازدهم: امور مربوط به تجارت داخلی و خارجی، مطابق به ایجابات اقتصادی کشور و مصالح مردم، توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده دوازدهم: دافغانستان بانک، بانک مرکزی دولت و مستقل می باشد. نشر پول و طرح و تطبیق سیاست پولی کشور، مطابق به احکام قانون، از صلاحیت بانک مرکزی می باشد. بانک مرکزی در مورد چاپ پول با کمیسیون اقتصادی و لسی جرگه مشوره می نماید.

تشکیل و طرز فعالیت این بانک توسط قانون تنظیم می شود.

ماده سیزدهم: دولت برای انکشاف صنایع، رشد تولید، ارتقای سطح زندگی مردم و حمایت از فعالیتهای پیشه وران، پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق می نماید.

ماده چهاردهم: دولت برای انکشاف زراعت و مالداري، بهبود شرایط

اقتصادي, اجتماعي و معیشتي دهقانان و مالداران و اسکان و بهبود زندگی کوچیان, در حدود بنیة مالی دولت, پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق می نماید.

دولت به منظور تهیه مسکن و توزیع ملکیت‌های عامه برای اتباع مستحق, مطابق به احکام قانون و در حدود امکانات مالی, تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پانزدهم: دولت مکلف است در مورد حفظ و بهبود جنگلات و محیط زیست تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده شانزدهم: از جمله زبانهای پشتو, دری, ازبکی, ترکمنی, بلوچی, پشه ئی, نورستانی, پامیری و سایر زبانهای رایج در کشور, پشتو و دری, زبانهای رسمی دولت می باشند. در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبان های ازبکی, ترکمنی, پشه یی, نورستانی, بلوچی, و یا پامیری تکلم می نمایند آن زبان علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی

مي باشد و نحوه تطبيق آن توسط قانون تنظيم مي گردد. دولت براي تقويت و انكشاف همه زبانهاي افغانستان پروگرام هاي مؤثر طرح و تطبيق مي نمايد. نشر مطبوعات و رسانه هاي گروهی به تمام زبانهاي رایج در کشور آزاد می باشد. مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشور حفظ می گردد.

ماده هفدهم: دولت برای ارتقای معارف در همه سطوح، انکشاف تعلیمات دینی، تنظیم و بهبود وضع مساجد، مدارس و مراکز دینی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده هجدهم: مبدأ تقویم کشور بر هجرت پیغمبر اکرم (ص) استوار است. مبنای کار ادارات دولتی تقویم هجری شمسی می باشد.

روز های جمعه، ۲۸ اسد و ۸ ثور تعطیل عمومی است. سایر رخصتی ها توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده نهم: بیرق افغانستان مرکب از: سه قطعه با رنگهای سیاه، سرخ، و سبز که به صورت عمودی، به اندازه های مساوی، از چپ به راست، در کنار هم واقع شده، عرض هر رنگ برابر نصف طول آن است و در وسط آن نشان ملی افغانستان قرار دارد.

نشان ملی افغانستان عبارت از محراب و منبر به رنگ سفید می باشد که در دو گوشه آن دو بیرق و در وسط آن در قسمت فوقانی، کلمه مبارک لا اله الا الله محمد رسول الله و الله اکبر و اشعة خورشید در حال طلوع و در قسمت تحتانی آن تاریخ ۱۲۹۸ هجری شمسی و کلمه افغانستان، جا داشته و از دو طرف با خوشه های گندم احاطه شده است.

طرز استفاده از بیرق و نشان ملی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده بیستم: سرود ملی افغانستان به زبان پشتو و با ذکر الله اکبر و نام اقوام افغانستان می باشد.

ماده بیست یکم: پایتخت افغانستان شهر

کابل مي باشد .

فصل دوم حقوق اساسی و وجایب اتباع

ماده بیست دوم: هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.

ماده بیست و سوم: زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی گردد.

ماده بیست و چهارم: آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد.

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

ماده بیست و پنجم: برائت ذمه حالت اصلي است.

متهم تا وقتي که به حکم قطعي محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی‌گناه شناخته می‌شود.

ماده بیست و ششم: جرم یک عمل شخصي است.

تعقيب، گرفتاري یا توقیف متهم و تطبیق جزا براو به شخص دیگری سرايت نمی‌کند.

ماده بیست و هفتم: هیچ عملي جرم شمرده نمی‌شود مگر به حکم قانوني که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ شخص را نمی‌توان تعقيب، گر فتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ شخص را نمی‌توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانوني که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

ماده بیست و هشتم: هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی شود مگر بر اساس معامله بالمثل و پیمان های بین الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد.

هیچ افغان به سلب تابعیت و یا تبعیت در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمی شود.

ماده بیست و نهم: تعذیب انسان ممنوع است.

هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.

تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

ماده سی ام: اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد.

اقرار به جرم عبارت است از اعتراف
متهم با رضایت کامل و در حالت صحت
عقل در حضور محکمه با صلاحیت.

مادهٔ سی و یکم: هر شخص می‌تواند برای
دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا
برای اثبات حق خود، و کیل مدافع
تعیین کند.

متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از
اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل
میعدای که قانون تعیین می‌کند در
محکمه حاضر گردد.

دولت در قضایای جنایی برای متهم
بی‌بضاعت و کیل مدافع تعیین
می‌نماید.

محرمیت مکالمات، مراسلات و مخابرات
بین متهم و وکیل آن، از هر نوع
تعرض مصون می‌باشد.

و ظایف و صلاحیت‌های و کلای مدافع
توسط قانون تنظیم می‌گردد.

مادهٔ سی و دوم: مدیون بودن شخص موجب
سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی
شود.

طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و سوم: اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند.

شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و چهارم: آزادی بیان از تعرض مصون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد.

احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و پنجم: اتباع افغانستان حق

دارند به منظور تأمین مقاصد مادی و یا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیت‌ها تأسیس نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر اینکه:

۱- مرامنامه و اساسنامه حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزش‌های مندرج این قانون اساسی نباشد؛

۲- تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد؛

۳- اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد؛

۴- وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد؛

تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی جواز ندارد.

جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می‌شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه با صلاحیت منحل نمی‌شود.

ماده سي و ششم: اتباع افغانستان حق دارند براي تأمين مقاصد جايز و صلح آميز , بدون حمل سلاح , طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمايند.

ماده سي و هفتم: آزادي و محرميت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسيله تلفون , تلگراف و وسايل ديگر , از تعرض مصون است.

دولت حق تفتيش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد , مگر مطابق به احکام قانون.

ماده سي و هشتم: مسکن شخص از تعرض مصون است.

هيچ شخص , به شمول دولت , نمي تواند بدون اجازه ساکن يا قرار محکمة با صلاحيت و به غير از حالات و طرزي که در قانون تصريح شده است , به مسکن شخص داخل شود يا آن را تفتيش نمايد.

در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول می تواند بدون اجازه قبلی محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین می کند قرار محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و نهم: هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند.

دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می نماید.

ماده چهلم: ملکیت از تعرض مصون است. هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود، مگر در حدود احکام قانون.

ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی شود.

استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می باشد.

تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می گیرد.

مادهٔ چهارم و یکم: اشخاص خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال عقاری را ندارند.

اجارهٔ عقار به منظور سر مایه گذاری، مطابق به احکام قانون مجاز می باشد.

فروش عقار به نمایندگی های سیاسی دول خارجی و موسسات بین المللی که افغانستان عضو آن باشد، مطابق به احکام قانون، مجاز می باشد.

مادهٔ چهارم دوم: هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه کند.

هیچ نوع مالیه و محصول، بدون حکم قانون، وضع نمی شود.

اندازهٔ مالیه و محصول و طرز تأدیه آن، با رعایت عدالت اجتماعی، توسط

قانون تعیین می گردد .
این حکم در مورد اشخاص و مؤسسات
خارجی نیز تطبیق می شود .
هر نوع مالیه ، محصول و عواید
تادیه شده ، به حساب و احد دولتی
تحویل داده می شود .

مادهٔ چهارم و سوم: تعلیم حق تمام اتباع
افغانستان است که تا درجه لیسانس
در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت
رایگان از طرف دولت تأمین می
گردد .

دولت مکلف است به منظور تعمیم
متوازن معارف در تمام افغانستان ،
تأمین تعلیمات متوسطه اجباری ،
پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و
زمینه تدریس زبانهای مادری را در
مناطق که به آنها تکلم می کنند
فراهم کند .

مادهٔ چهارم و چهارم: دولت مکلف است به
منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم
برای زنان ، بهبود تعلیم کوچیان و
امحای بیسواد در کشور ، پروگرام
های مؤثر طرح و تطبیق نماید .

مادهٔ چهل و پنجم: دولت نصاب واحد تعلیمی را، بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می‌کند و نصاب مضامین دینی مکاتب را، بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می‌نماید.

مادهٔ چهل و ششم: تأسیس و ادارهٔ مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی و وظیفه دولت است.

اتباع افغانستان می‌توانند به اجازهٔ دولت به تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی، اختصاصی و سواد آموزی اقدام نمایند.

دولت می‌تواند تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی را به اشخاصی خارجی نیز مطابق با احکام قانون اجازه دهد.

شرایط شمول در مؤسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن، توسط قانون تنظیم می‌گردد.

مادهٔ چهل و هفتم: دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرام

هاي مؤثر طرح مي نمايد. دولت حقوق مؤلف، مخترع و كاشف را تضمين مي نمايد و تحقيقات علمي را در تمام عرصه ها تشويق و حمايت ميكند و استفاده مؤثر از نتايج آن را، مطابق به احكام قانون، تعميم مي بخشد.

مادهٔ چهارم و هشتم: كار حق هر افغان است.

تعيين ساعات كار، رخصتي با مزد، حقوق كار و كارگر و ساير امور مربوط به آن توسط قانون تنظيم مي گردد.

انتخاب شغل و حرفه، در حدود احكام قانون، آزاد مي باشد.

مادهٔ چهارم و نهم: تحميل كار اجباري ممنوع است.

سهم گيري فعال در حالت جنگ، آفات و ساير حالاتي كه حيات و آسائش عامه را تهديد كند، از و جايب ملي هر افغان مي باشد.

تحميل كار بر اطفال جواز ندارد.

مادهٔ پنجاهم: دولت مكلف است به منظور

ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید. اداره اجراءات خود را با بیطرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی می سازد.

اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد.

اتباع افغانستان براساس اهلیت و بدون هیچگونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می شوند.

ماده پنجاه و یکم: هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود مستحق جبران خساره می باشد و می تواند برای حصول آن در محکمه دعوا اقامه کند. به استثنای حالاتی که در قانون تصریح گردیده است، دولت نمی تواند بدون حکم محکمه با صلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

ماده پنجاه و دوم: دولت و سایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحي رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین می نماید.

دولت تأسیس و توسعه خدمات طبي و مراکز صحي خصوصي را مطابق به احکام قانون تشویق و حمایت می کند.

دولت به منظور تقویت تر بیت بدني سالم و انکشاف وزرشهاي ملي و محلي تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پنجاه و سوم: دولت به منظور تنظیم خدمات طبي و مساعدت مالي برای باز ماندگان شهدا و مفقودین و برای باز تواني معلولین و معیوبین و سهم گیری فعال آنان در جامعه , مطابق به احکام قانون , تدابیر لازم اتخاذ مینماید.

دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده , برای کهن سالان , زنان بی سرپرست , معیوبین و معلولین و ایتم بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می آورد.

ماده پنجاه و چهارم: خانواده رکن اساسي

جامعه را تشکیل می‌دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد.

دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می‌کند.

ماده پنجاه و پنجم: دفاع از وطن و جیبه تمام اتباع افغانستان است. شرایط اجرای دوره مکلفیت عسکری توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده پنجاه و ششم: پیروی از احکام قانون اساسی، اطاعت از قوانین و رعایت نظم و امن عامه و جیبه تمام مردم افغانستان است.

بی خبری از احکام قانون عذر دانسته نمی‌شود.

ماده پنجاه هفتم: دولت حقوق و آزادی های اتباع خارجی را در افغانستان، طبق قانون تضمین می‌کند. این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می‌باشند.

ماده پنجاه هشتم: دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تأسیس می‌نماید.

هر شخص می‌تواند در صورت نقض حقوق بشری خود، به این کمیسیون شکایت نماید.

کمیسیون می‌تواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی را جمع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید.

تشکیل و طرز فعالیت این کمیسیون توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده پنجاه و نهم: هیچ شخص نمی‌تواند با سوء استفاده از حقوق و آزادیهای مندرج این قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند.

فصل سوم رئیس جمهور

ماده ششم: رئیس جمهور در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت های خود را در عرصه های اجرائیه، تقنینیه و قضائیه، مطابق به احکام این قانون اساسی، اعمال میکند.

رئیس جمهور دارای دو معاون، اول و دوم، می باشد.

کاندید ریاست جمهوری نام هر دو معاون را همزمان باکاندید شدن خود به ملت اعلام میدارد.

معاون اول رئیس جمهور در حالت غیاب، استعفا و یا وفات رئیس جمهور، مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی، عمل می کند.

در غیاب معاون اول رئیس جمهور، معاون دوم، مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی عمل می کند.

ماده شصت و یکم: رئیس جمهور با کسب

اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرای
رأی دهندگان از طریق رأی گیری
آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب
می گردد.

وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای
سال پنجم بعد از
انتخابات پایان می یابد.

انتخابات به منظور تعیین رئیس
جمهور جدید در خلال مدت سی الی شصت
روز قبل از پایان کار رئیس جمهور
بر گزار می گردد.

هر گاه در دور اول هیچ یک از
کاندیدان نتواند اکثریت بیش از
پنجاه فی صد آراء را به دست آورد،
انتخابات برای دور دوم در ظرف دو
هفته از تاریخ اعلام نتایج
انتخابات بر گزار می گردد و در
این دور تنها دو نفر از کاندیدانی
که بیشترین آراء را در دور اول
به دست آورده اند شرکت می نمایند.
در دور دوم انتخابات، کاندیدی که
اکثریت آراء را کسب کند، رئیس
جمهور شناخته می شود.

هر گاه یکی از کاندیدان ریاست جمهوری در جریان دور اول یا دوم رأی گیری و یا بعد از انتخابات و قبل از اعلام نتایج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد مطابق به احکام قانون برگزاری گردد.

ماده شصت و دوم: شخصی که به ریاست جمهوری کاندید می شود، واجد شرایط ذیل می باشد:

۱- تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد؛

۲- در روز کاندید شدن سن وی از چهل سال کمتر نباشد؛

۳- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

هیچ شخص نمی تواند بیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.

حکم مندرج این ماده در مورد معاونین رئیس جمهور نیز تطبیق می گردد.

ماده شصت و سوم: رئیس جمهور قبل از تصدی و وظیفه، مطابق به طرز العمل خاص که توسط قانون تنظیم می گردد، حلف آتی را به جامی آورد:

بسم الله الرحمن الرحيم

”به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم. قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم. از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست و حقوق و منافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاہ پروردگار متعال و پشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم افغانستان بکار برم.“

ماده شصت و چهارم: رئیس جمهور دارای صلاحیتهای و وظایف ذیل می باشد:

- ۱- مراقبت از اجرای قانون اساسی؛
- ۲- تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی؛
- ۳- قیادت اعلاى قوای مسلح افغانستان؛
- ۴- اعلان حرب و متارکه به تأیید شورای ملی؛

- ۵- اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ استقلال؛
- ۶- فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان به تأیید شورای ملی؛
- ۷- دایر نمودن لویه جرگه به استثنای حالت مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی؛
- ۸- اعلان حالت اضطرار به تأیید شورای ملی و خاتمه دادن به آن؛
- ۹- افتتاح اجلاس شورای ملی و لویه جرگه؛
- ۱۰- قبول استعفای معاونین ریاست جمهوری؛
- ۱۱- تعیین وزراء، لوی حارنوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت به تأیید و لسی جرگه و عزل و قبول استعفای آنها؛
- ۱۲- تعیین رئیس و اعضای ستره محکمه به تأیید و لسی جرگه؛
- ۱۳- تعیین، تقاعد، قبول استعفاء و عزل قضات، صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس و امنیت ملی و مامورین عالی

- رتبه مطابق به احکام قانون؛
- ۱۴- تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و موسسات بین المللی؛
- ۱۵- قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان؛
- ۱۶- توشیح قوانین و فرامین تقنینی؛
- ۱۷- اعطای اعتبار نامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق به احکام قانون؛
- ۱۸- تخفیف و عفو مجازات مطابق به احکام قانون؛
- ۱۹- اعطای مدالها، نشانها و القاب افتخاری مطابق به احکام قانون؛
- ۲۰- تاسیس کمیسیون ها به منظور بهبود اداره کشور مطابق به احکام قانون؛
- ۲۱- سایر صلاحیتهای و وظایف مندرج این قانون اساسی.
- ماده شصت و پنجم: رئیس جمهور می تواند در موضوعات مهم ملی سیاسی،

اجتماعی و یا اقتصادی به آرای عمومی مردم افغانستان مراجعه نماید.

مراجعه به آرای عمومی نباید مناقض احکام این قانون اساسی یا مستلزم تعدیل آن باشد.

ماده شصت و ششم: رئیس جمهور در اعمال صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی، مصالح علیای مردم افغانستان را رعایت می کند.

رئیس جمهور نمی تواند بدون حکم قانون ملکیت های دولتی را بفروشد یا اهدا کند.

رئیس جمهور نمی تواند در زمان تصدی و وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی مذهبی و حزبی استفاده نماید.

ماده شصت و هفتم: در صورت استعفاء عزل یا وفات رئیس جمهور و یا مریضی صعب العلاجی که مانع اجرای وظیفه شود، معاون اول رئیس جمهور صلاحیت ها و وظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

رئیس جمهور استعفای خود را شخصاً به شورای ملی اعلام می نماید. تثبیت مریضی صعب العلاج توسط هیئت طبی با صلاحیت که از طرف ستره محکمه تعیین می گردد صورت می گیرد. درین حالات در خلال مدت سه ماه، انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید طبق ماده شصت و یکم این قانون اساسی برگزار می گردد.

معاون اول رئیس جمهور در زمان تصدی به حیث رئیس جمهور موقت امور ذیل را انجام داده نمی تواند:

۱- تعدیل قانون اساسی؛

۲- عزل وزرا؛

۳- مراجعه به آرای عامه.

معاونین رئیس جمهور می توانند مطابق به احکام این قانون اساسی خود را به ریاست جمهوری کاندید نمایند.

در صورت غیاب رئیس جمهور، وظایف معاون اول توسط رئیس جمهور تعیین می گردد.

ماده شصت هشتم: هرگاه یکی از معاونین رئیس جمهور استعفاء و یا و فات نماید عوض وی شخص دیگری توسط رئیس جمهور به تایید ولسی جرگه تعیین می گردد.

در صورت وفات همزمان رئیس جمهور و معاون اول وی، بالترتیب معاون دوم، رئیس مشرانو جرگه، رئیس ولسی جرگه و وزیر خارجه یکی بعد دیگری مطابق به حکم مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی و ظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

ماده شصت و نهم: رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی جرگه مطابق به احکام این ماده مسئول می باشد.

اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت، از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه تقاضا شده می تواند. در صورتیکه این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای ولسی جرگه تایید گردد، ولسی جرگه در خلال مدت یک ماه لویه جرگه را دایر می نماید.

هر گاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث ارای کل اعضا تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به محکمة خاص محول می گردد. محکمة خاص متشکل است از رئیس مشرانو جرگه، سه نفر از اعضای ولسی جرگه و سه نفر از اعضای ستره محکمه به تعیین لویه جرگه.

اقامه دعوی توسط شخصی که از طرف لویه جرگه تعیین می گردد صورت می گیرد.

در این حالت احکام مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی تطبیق می گردد.

ماده هفتادم: معاش و مصارف رئیس جمهور توسط قانون تنظیم می گردد. رئیس جمهور بعد از ختم دوره خدمت، به استثنای حالت عزل، برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام قانون مستفید می شود.

فصل چهارم حکومت

ماده هفتاد و یکم: حکومت متشکل است از وزرا که تحت ریاست رئیس جمهور اجرای وظیفه می نمایند. تعداد وزراء و وظایف شان توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتاد و دوم: شخصی که به حیث وزیر تعیین می شود واجد شرایط ذیل می باشد:

۱- تنها حامل تابعیت افغانستان باشد؛

هرگاه کاندید وزارت تابعیت کشور دیگری را نیز داشته باشد؛ ولسی جرگه صلاحیت تایید و یارد آن را دارد؛

۲- دارای تحصیلات عالی، تجربه کاری و شهرت نیک باشد؛

۳- سن وی از سی و پنج سال کمتر نباشد؛

۴- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم
ضد بشری، جنایت و یا حرمان از
حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

ماده هفتاد و سوم: وزراء می توانند از
اعضای شورای ملی یا خارج از آن
تعیین شوند.

هر گاه عضو شوری ملی به حیث وزیر
تعیین شود، عضویت خود را در شوری
از دست می دهد و در عوض وی شخص
دیگری مطابق به حکم قانون تعیین
می گردد.

ماده هفتاد و چهارم: وزراء قبل از تصدی
وظیفه حلف آتی را به حضور رئیس
جمهور، به جامی آورند:

بسم الله الرحمن الرحيم

”به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد
می کنم که دین مقدس اسلام را حمایت،
قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان
را رعایت، حقوق اتباع را حفاظت و از
استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی مردم
افغانستان حراست کنم و در همه اعمال
خود خداوند (ج) را حاضر دانسته، و

وظایف محوله را صادقانه انجام دهم."

ماده هفتاد و پنجم: حکومت دارای وظایف ذیل می باشد:

۱- تعمیل احکام این قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله های قطعی محاکم؛

۲- حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین المللی؛

۳- تأمین نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد اداری؛

۴- ترتیب بودجه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارایی عامه؛

۵- طرح و تطبیق پروگرامهای انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی؛

۶- ارائه گزارش به شورای ملی در ختم سال مالی در باره امور انجام شده و پروگرام های عمده سال مالی جدید؛

۷- انجام سایر وظایفی که به موجب این قانون اساسی و قوانین دیگر از

وظایف حکومت دانسته شده است.
ماده هفتاد و ششم: حکومت برای تطبیق خطوط اساسی سیاست کشور و تنظیم وظایف خود مقررات وضع و تصویب می کند. این مقررات باید مناقض نص یا روح هیچ قانون نباشد.

ماده هفتاد و هفتم: وزراء وظایف خود را به حیث آمرین واحد های اداری در داخل حدودی که این قانون اساسی و سایر قوانین تعیین می کند، اجراء می نمایند.

وزراء از وظایف مشخصه خود نزد رئیس جمهور و ولسی جرگه مسئولیت دارند.

ماده هفتاد و هشتم: هرگاه وزیر به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی و یا سایر جرایم متهم گردد، قضیه با رعایت ماده یکصد و سی و چهارم این قانون اساسی به محکمه خاص محول می گردد.

ماده هفتاد و نهم: حکومت می تواند در حالت تعطیل ولسی جرگه در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور

مربوط به بودجه و امور مالی،
فرامین تقنینی را ترتیب کند.
فرامین تفنینی بعد از توشیح رئیس
جمهور حکم قانون را حایز می شود.
فرامین تقنینی باید در خلال سی روز
از تاریخ انعقاد نخستین جلسه
شورای ملی به آن تقدیم شود، و در
صورتی که از طرف شورای ملی رد
شود، از اعتبار ساقط می گردد.

ماده هشتادم: وزراء نمی توانند در
زمان تصدی وظیفه از مقام خود به
ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی
و حزبی استفاده نمایند.

فصل پنجم شورای ملی

ماده هشتاد و یکم: شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی ترین ارگان تقنینی مظهر اراده مردم آن است و از قاطبة ملت نمایندگی می کند. هر عضو شوری در موقع اظهار رأی، مصالح عمومی و منافع عالیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می دهد.

ماده هشتاد و دوم: شورای ملی متشکل از دو مجلس: ولسی جرگه و مشرانو جرگه می باشد. هیچ شخص نمی تواند در یک وقت عضو هر دو مجلس باشد.

ماده هشتاد و سوم: اعضای ولسی جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردند.

دوره کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان می رسد و شورای جدید به کار آغاز می نماید.

انتخابات اعضای ولسی جرگه در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان دوره ولسی جرگه برگزار می گردد. تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه حداکثر دوصد و پنجاه نفر می باشد.

حوزه های انتخاباتی و سایر مسایل مربوط به آن در قانون انتخابات تعیین می گردد.

در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس از هر ولایت طور اوسط حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.

ماده هشتاد و چهارم: اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می

شوند:

۱- از جمله اعضای شورای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت چهار سال؛

۲- از جمله اعضای شورا های ولسوالیهای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورا های مربوط برای مدت سه سال؛

۳- یک ثلث باقی مانده از جمله شخصیت های خبیرو با تجربه به شمول دو نفر از نمایندگان معلولین و معیوبین و دو نفر نمایندگان کوچیها به تعیین رئیس جمهور برای مدت پنج سال.

رئیس جمهور تعداد پنجاه فیصد از این اشخاص را از بین زنان تعیین می کند.

شخصی که به حیث عضو مشرانو جرگه انتخاب می شود، عضویت خود را در شورای مربوطه از دست داده، به عوض او شخص دیگری مطابق به احکام قانون تعیین می گردد.

ماده هشتاد و پنجم: شخصی که به عضویت

شورای ملی کاندید یا تعیین می شود، علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان و اجد او صاف ذیل می باشد:

۱- تبعه افغانستان بوده یا حداقل ده سال قبل از تاریخ کاندید یا تعیین شدن، تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد؛

۲- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد؛

۳- اعضای ولسی جرگه سن بیست و پنج سالگی را در روز کاندید شدن، و اعضای مشرانو جرگه سن ۳۵ سالگی را در روز کاندید، یا تعیین شدن، تکمیل کرده باشند.

ماده هشتاد و ششم: وثایق انتخاباتی اعضای شورای ملی توسط کمیسیون مستقل انتخابات مطابق به احکام قانون تدقیق می گردد.

ماده هشتاد و هفتم: هر یک از دو مجلس

شورای ملی ، در آغاز دوره کار ، یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس برای یک دوره تقنینیه و دو نفر را به حیث نایب اول و نایب دوم و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یکسال انتخاب می کند این اشخاص هیئت اداری و لسی جرگه و مشرانو جرگه را تشکیل می دهند . وظایف هیئت اداری در اصول وظایف داخلی هر مجلس تعیین می شود .

ماده هشتاد و هشتم: هر یک از دو مجلس شورای ملی برای مطالعه موضوعات مورد بحث ، برطبق اصول وظایف داخلی ، کمیسیون ها تشکیل می دهد .

ماده هشتاد و نهم: ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث اعضاء ، جهت بررسی و مطالعه اعمال حکومت ، کمیسیون خاص تعیین نماید .

ترکیب و طرز العمل این کمیسیون در اصول وظایف داخلی ولسی جرگه تنظیم می گردد .

ماده نودم: شورای ملی دارای صلاحیتهای
ذیل می باشد:

- ۱- تصویب، تعدیل، یا لغو قوانین و
یا فرامین تقنینی؛
- ۲- تصویب پروگرامهای انکشافی،
اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و
تکنالوژیکی؛
- ۳- تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ
یا اعطای قرضه؛
- ۴- ایجاد و احاد های اداری، تعدیل
و یا الغای آن؛
- ۵- تصدیق معاهدات و میثاقهای بین
المللی یا فسخ الحاق افغانستان
به آن؛
- ۶- سایر صلاحیتهای مندرج این قانون
اساسی.

ماده نود و یکم: ولسی جرگه دارای صلاحیت
های اختصاصی ذیل می باشد:

- ۱- اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح
از هر یک از ورزاة مطابق به حکم
ماده نود و دوم این قانون اساسی؛
- ۲- اتخاذ تصمیم راجع به پروگرام
های انکشافی و بودجه دولتی؛
- ۳- تائید یا رد مقرر یها مطابق به
احکام این قانون اساسی.

ماده نود و دوم: ولسی جرگه به پیشنهاد بیست فیصد کل اعضا، می تواند از هر یک از وزرات استیضاح به عمل آورد.

هرگاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رأی عدم اعتماد را بررسی می کند.

رأی عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و بر اساس دلایل موجه باشد. این رأی به اکثریت آراء کل اعضای ولسی جرگه صادر می گردد.

ماده نود و سوم: هر یک از کمیسیونهای هر دو مجلس شورای ملی می تواند از هر یک از وزرات در موضوعات معین سوال نماید.

شخصی که از او سوال به عمل آمده، می تواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد.

ماده نود و چهارم: قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد.

در صورتیکه رئیس جمهور با مصوبه شورای ملی موافقه نداشته باشد می تواند آنرا در ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل به ولسی جرگه مسترد نماید. باسپری شدن این مدت و یا در صورتی که ولسی جرگه آنرا مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب، و نافذ می گردد.

ماده نود و پنجم: پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شوری و در ساحه تنظیم امور قضایی از طرف ستره محکمه توسط حکومت صورت گرفته می تواند.

پیشنهاد طرح قانون در مورد بودجه و امور مالی صرف از طرف حکومت صورت می گیرد.

ماده نود و ششم: هر گاه پیشنهاد طرح قانون، حاوی تکلیف جدید یا تنقیص در عایدات دولت باشد، به شرطی در فهرست کار داخل می شود که در متن پیشنهاد، مدرک جبران نیز پیش بینی شده باشد.

ماده نود و هفتم: پیشنهاد طرح قانون از

طرف حکومت نخست به ولسی جرگه تقدیم می‌گردد.

ولسی جرگه پیشنهاد طرح قانون را، به شمول بودجه و امور مالی و پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه را، بعد از بحث به صورت یک کل تصویب یابد می‌کند. ولسی جرگه نمی‌تواند طرح پیشنهاد شده را بیش از یک ماه به تاخیر اندازد.

ولسی جرگه طرح قانون پیشنهاد شده را بعد از تصویب به مشرانو جرگه می‌سپارد.

مشرانو جرگه در ظرف پانزده روز در مورد آن تصمیم اتخاذ می‌کند.

شورای ملی به اتخاذ تصمیم در مورد طرح قوانین، معاهدات و پروگرام‌های انکشافی دولت که به اساس پیشنهاد حکومت ایجاب رسیدگی عاجل را نماید اولویت می‌دهد.

هرگاه پیشنهاد طرح قانون از طرف ده نفر از اعضای یکی از دو مجلس صورت گیرد، بعد از تأیید یک پنجم اعضای مجلسی که پیشنهاد به آن

ارائه شده است، در فهرست کار آن مجلس داخل می گردد.

ماده نود و هشتم: بودجه دولت و پروگرام انکشافی حکومت از طریق مشرانو جرگه توام با نظریه مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم می شود. تصمیم ولسی جرگه بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود.

هر گاه نظر به عواملی تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد، تا تصویب بودجه جدید، بودجه سال گذشته تطبیق می گردد.

حکومت در خلال ربع چهارم سال مالی، بودجه سال آینده را با حساب اجمالی بودجه سال جاری به شورای ملی تقدیم می نماید. حساب قطعی بودجه سال مالی قبل، در خلال مدت شش ماه سال آینده، مطابق به احکام قانون، به شورای ملی تقدیم می گردد.

ولسی جرگه نمی تواند تصویب بودجه را بیش از یکماه و اجازه اخذ و یا اعطای قرضه را که شامل بودجه نباشد، بیش از پانزده روز به

تاخیر اندازد.

هر گاه ولسی جرگه درین مدت را جمع به پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه تصمیم اتخاذ نکند، پیشنهاد تصویب شده محسوب می گردد.

ماده نود و نهم: در صورتی که در اجلاس شوری ملی، بودجه سالانه یا پروگرام انکشافی یا موضوع مربوط به امنیت عامه، تمامیت ارضی و استقلال کشور مطرح باشد مدت اجلاس شورای قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمی تواند. ماده صد: هرگاه مصوبه یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود، برای حل اختلاف هیئت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو مجلس تشکیل می گردد.

فصله هیئت بعد از توشیح رئیس جمهور، نافذ شمرده می شود. در صورتیکه هیئت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند، مصوبه رد شده به حساب می رود. درین حالت ولسی جرگه می تواند در جلسه بعدی انرا با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب کند. این

تصویب بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود.

ماده یکصد و یکم: هیچ عضو شورای ملی به علت رأی یا نظریه ای که در هنگام اجرای وظیفه ابراز می دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد.

ماده یکصد و دوم: هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متهم شود، مأمور مسئول از موضوع به مجلسی که متهم عضو آن است، اطلاع می دهد و متهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می تواند. در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول می تواند متهم را بدون اجازه مجلسی که او عضو آن می باشد تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید.

در هر دو حالت، هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند، مأمور مسئول مکلف است موضوع را بلا فاصله به اطلاع مجلس مربوط برساند و تصویب آنرا حاصل نماید.

اگر اتهام در هنگام تعطیل شوری صورت بگیرد، اجازه گرفتاری یا توقیف از هیئت اداری مجلس مربوط

حاصل می‌گردد و موضوع به نخستین جلسه مجلس مذکور جهت اخذ تصمیم ارائه می‌شود.

ماده یکصد و سوم: وزراء می‌توانند در جلسات هر یک از دو مجلس شورای ملی اشتراک ورزند.

هر مجلس شورای ملی می‌تواند حضور وزراء را در جلسه خود مطالبه کند.

ماده یکصد و چهارم: هر دو مجلس شورای ملی در وقت واحد به صورت جداگانه جلسه می‌کنند.

جلسات هر دو مجلس در موارد ذیل می‌تواند به طور مشترک دایر شود:

۱- در موقعی که دوره تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف رئیس جمهور افتتاح می‌گردد؛

۲- در صورتیکه رئیس جمهور ضروری تشخیص دهد.

رئیس ولسی جرگه، از جلسات مشترک شورای ملی ریاست می‌نماید.

ماده یکصد و پنجم: جلسات شورای ملی علنی می‌باشد. مگر اینکه رئیس مجلس یا حد اقل ده نفر از اعضای شورای ملی، سری بودن آنرا در خواست نمایند و مجلس این در خواست را بپذیرد.

هیچ شخصی نمی‌تواند عنفاً به مقر شورای ملی داخل شود.

ماده یکصد و ششم: نصاب هر یک از دو مجلس شورای ملی، هنگام رای گیری با حضور اکثریت اعضا تکمیل می گردد و تصامیم آن با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می شود، مگر در مواردی که این قانون اساسی طور دیگر تصریح نموده باشد.

ماده یکصد و هفتم: شورای ملی در هر سال دو اجلاس عادی دایر می کند.

مدت کار هر دو اجلاس شوری، در هر سال نه ماه می باشد. در صورت ایجاب، شوری می تواند این مدت را تمدید کند.

جلسات فوق العاده شوری در ایام تعطیل به امر رئیس جمهور دایر شده می تواند.

ماده یکصد و هشتم: درحالات و فوات، استعفا و عزل عضو شورای ملی و یا معلولیت یا معیوبیتی که به طور دایم مانع اجرای وظیفه گردد، تعیین نماینده جدید برای مدت باقی مانده دوره تقنینیه، مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

امور مربوط به حضور و غیاب اعضای شورای ملی در اصول و ظایف داخلی تنظیم می گردد.

ماده یکصد و نهم: پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات، در یک سال اخیر دوره تقنینیه، در فهرست کار شورای ملی داخل شده نمی تواند.

فصل ششم لویه جرگه

ماده یکصد و دهم: لویه جرگه عالیترین مظهر اراده مردم افغانستان می باشد.

لویه جرگه متشکل است از:

- ۱- اعضای شورای ملی.
- ۲- رؤسای شورا های ولایات و ولسوالیها.

وزراء، رئیس و اعضای ستره محکمه و لوی حارنوال می توانند در جلسات لویه جرگه بدون حق رأی اشتراک ورزند.

ماده یکصد و یازدهم: لویه جرگه در حالات ذیل دایر می گردد:

- ۱- اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور؛
- ۲- تعدیل احکام این قانون اساسی؛
- ۳- محاکمه رئیس جمهور مطابق به حکم مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی.

ماده یکصد و دوازدهم: لویه جرگه در اولین جلسه، از میان اعضاء یک نفر را به حیث رئیس و یک نفر را به حیث معاون و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی انتخاب می کند.

ماده یکصد و سیزدهم: نصاب لویه جرگه هنگام رای دهی، با حضور اکثریت اعضاء تکمیل می گردد. تصامیم لویه جرگه، جز در مواردی که در این قانون اساسی صریحاً ذکر گردیده، با اکثریت آراء کل اعضا اتخاذ می گردد.

ماده یکصد و چهاردهم: مباحثات لویه جرگه علنی می باشد مگر اینکه یک ربع اعضاء سری بودن آنرا در خواست نمایند و لویه جرگه این در خواست را بپذیرد.

ماده یکصد و پانزدهم: در هنگام دایر بودن لویه جرگه، احکام مندرج مواد یکصد و یکم و یکصد و دوم این قانون اساسی، در مورد اعضای آن تطبیق می گردد.

فصل هفتم قضایا

ماده یکصد و شانزدهم: قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد.

قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم می گردد.

ستره محکمه به حیث عالیترین ارگان قضائی در رأس قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

ماده یکصد و هفدهم: ستره محکمه مرکب است از نه عضو که از طرف رئیس جمهور با تایید و لسی جرگه و با رعایت احکام مندرج فقرة آخر ماده پنجاهم و ماده یکصد و هجدهم این قانون اساسی در آغاز، به ترتیب ذیل تعیین می گردند:

سه نفر برای مدت چهار سال، سه نفر برای مدت هفت سال و سه نفر برای مدت ده سال.

تعیینات بعدی برای مدت ده سال می باشد.

تعیین اعضا برای بار دوم جواز

ندارد.

رئیس جمهور یکی از اعضاء را به
حيث رئیس ستره محکمه تعیین میکند.
اعضای ستره محکمه به استثنای حالت
مندرج ماده یکصد و بیست و هفتم این
قانون اساسی، تاختم دوره خدمت از
وظایف شان عزل نمی شوند.

ماده یکصد و هجدهم: عضو ستره محکمه و اجد
شرایط ذیل می باشد:

- ۱- سن رئیس و اعضاء در حین تعیین
از چهل سال کمتر نباشد.
- ۲- تبعه افغانستان باشد؛
- ۳- در علوم حقوقی و یا فقهی
تحصیلات عالی و در نظام قضائی
افغانستان تخصص و تجربه کافی
داشته باشد؛
- ۴- دارای حسن سیرت و شهرت نیک
باشد؛
- ۵- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم
ضدبشری، جنایت و یا حرمان از حقوق
مدنی محکوم نشده باشد؛
- ۶- در حال تصدی وظیفه در هیچ حزب
سیاسی عضویت نداشته باشد.

ماده یکصد و نهم: اعضای ستره محکمه قبل از اشغال وظیفه، حلف آتی را در حضور رئیس جمهور به جامی آورند:

بسم الله الرحمن الرحيم
" به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که حق و عدالت را برطبق احکام دین مقدس اسلام، نصوص این قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان تامین نموده، وظیفه قضاء را باکمال امانت، صداقت و بی طرفی اجرا نمایم."

ماده یکصد و بیستم: صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت، به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

ماده یکصد و بیست و یکم: بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ماده یکصد و بیست و دوم: هیچ قانون نمی تواند در هیچ حالت، قضیه یا ساحه یی را از دایره صلاحیت قوه قضائیه به نحوی که در این فصل تحدید شده، خارج بسازد و به مقام دیگر تفویض کند.

این حکم مانع تشکیل محاکم خاص مندرج مواد شصت و نهم، هفتاد و هشتم و یکصد و بیست و هفتم این قانون اساسی و محاکم عسکری در قضایای مربوط به آن نمی‌گردد. تشکیل و صلاحیت این نوع محاکم توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و بیست و سوم: بارعایت احکام این قانون اساسی، قواعد مربوط به تشکیل، صلاحیت و اجرا آت محاکم و امور مربوط به قضات توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و بیست و چهارم: در مورد مامورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مامورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می‌باشد ولی تقرر، انفکاک، ترفیع، تقاعد، مجازات و مکافات شان توسط ستره محکمه مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد.

ماده یکصد و بیست و پنجم: بودجه قوه قضائیه به مشوره حکومت از طرف ستره محکمه ترتیب گردیده، به حیث جزء بودجه دولت، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم می‌شود.

تطبيق بودجه قوه قضائیه از صلاحیت ستره محکمه می‌باشد.

ماده یکصد و بیست و ششم: اعضای ستره محکمه بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره خدمت مستفید می‌شوند مشروط بر اینکه به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نوزند.

ماده یکصد و بیست و هفتم: هر گاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه، محاکمه رئیس یا عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نمایند و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دوثلث کل اعضاء تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول می گردد.

تشکیل محکمه و طرز العمل محاکمه، توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و بیست و هشتم: در محاکم افغانستان، محاکمه به صورت علنی دایر می گردد و هر شخص حق دارد بار عایت احکام قانون در آن حضور یابد.

محکمه می تواند در حالاتی که در قانون تصریح گردیده، یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.

ماده یکصد و بیست و نهم: محکمه مکلف است اسباب حکمی را که صادر می نماید، در فیصله ذکر کند.

تمام فیصله های قطعی محاکم و اجب التعمیل است مگر در حالت حکم به مرگ شخص که مشروط به منظوری رئیس جمهور می باشد.

ماده یکصد و سی ام: محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کنند.

هرگاه برای قضیه یی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تامین نماید.

ماده یکصد و سی و یکم: محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می نمایند.

در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می نمایند.

ماده یکصد و سی و دوم: قضات به پیشنهاد ستره محکمه و منظور ی رئیس جمهور تعیین می گردند.

تقرر، تبدل، ترفیع، مواخذه و پیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه

می باشد.

ستره محکمه به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی و تامین اصلاحات لازم، آمریت عمومی اداری قوه قضائیه را تأسیس می نماید.

ماده یکصد و سی و سوم: هر گاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتیکه ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات می شود.

ماده یکصد و سی و چهارم: کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوی علیه متهم در محکمه، از طرف حارنوالی مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

حارنوالی جزء قوه اجرائیه و در اجرا آن خود مستقل می باشد.

تشکیل، صلاحیت و طرز فعالیت حارنوالی توسط قانون تنظیم می گردد.

کشف و تحقیق جرایم و وظیفوی منسوبین قوای مسلح، پولیس و موظفین امنیت

ملی، توسط قانون خاص تنظیم می
گردد.

ماده یکصد و سی و پنجم: اگر طرف دعوی زبانی را
که محاکمه توسط آن صورت می گیرد، نداند، حق
اطلاع به مواد و اسناد قضیه و صحبت در محکمه به
زبان مادری، توسط تر جمان برایش تامین می
گردد.

فصل هشتم اداره

ماده یکصد و سی و ششم: اداره جمهوری اسلامی افغانستان براساس واحد های اداره مرکزی و ادارات محلی، طبق قانون تنظیم می گردد.

اداره مرکزی به یک عده واحد های اداری منقسم می گردد که در رأس هر کدام یک نفر وزیر قرار دارد.

واحد اداره محلی، ولایت است. تعداد، ساحه، اجزا و تشکیلات ولایات و ادارات مربوط، بر اساس تعداد نفوس، وضع اجتماعی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و سی و هفتم: حکومت با حفظ اصل مرکزیت به منظور تسریع و بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سهم گیری هر چه بیشتر مردم در انکشاف حیات ملی، صلاحیتهای لازم را مطابق به احکام قانون، به اداره محلی تفویض می نماید.

ماده یکصد و سی و هشتم: در هر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل می شود. اعضای شورای ولایتی طبق قانون، به تناسب نفوس از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین ولایت برای مدت چهار سال انتخاب می گردند.

شورای ولایتی یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس انتخاب می نماید.

ماده یکصد و سی و نهم: شورای ولایتی در تأمین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت به نحوی که در قوانین تصریح می گردد، سهم گرفته و در مسایل مربوط به ولایت مشوره می دهد.

شورای ولایتی وظایف خود را با همکاری اداره محلی اجرا می نماید.

ماده یکصد و چهلم: برای تنظیم امور و تأمین اشتراک فعال مردم در اداره محلی، در ولسوالی ها و قریه ها، مطابق به احکام قانون شورا ها تشکیل می گردد.

اعضای این شورا ها از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین محل برای مدت سه سال انتخاب می شوند.

سهم گیری کوچیان در شورا های محلی مطابق به احکام قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و چهل و یکم: برای اداره امور شهری،
شاروالی تشکیل می شود.

شاروال و اعضای مجالس شاروالی، از
طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و
مستقیم انتخاب می شوند.

امور مربوط به شاروالی ها توسط
قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و چهل و دوم: دولت به مقصد تعمیل
احکام و تامین ارزشهای مندرج این قانون اساسی
ادارات لازم را تشکیل می نماید.

فصل نهم حالت اضطرار

ماده یکصد و چهل و سوم: هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش و خیم، آفات طبیعی و یا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده، ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تأیید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان می شود.

هرگاه حالت اضطرار بیش از دو ماه دوام نماید برای تمدید آن، موافقت شورای ملی شرط است.

ماده یکصد و چهل چهارم: در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند به مشورۃ رؤسای شورای ملی و ستره محکمه، بعضی از صلاحیت های شورای ملی را به حکومت انتقال دهد.

ماده یکصد و چهل پنجم: در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند بعد از تأیید رؤسای شورای ملی و ستره محکمه، تنفیذ احکام ذیل را معطل بسازد و یا بر آن قیودی وضع نماید:

- ۱- فقره دوم ماده بیست و هفتم.
- ۲- ماده سی و هشتم.
- ۳- فقره دوم ماده سی و هفتم.
- ۴- فقره دوم ماده سی و هشتم.

ماده یکصد و چهل و ششم: در حالت اضطرار، قانون اساسی تعدیل نمی شود.

ماده یکصد و چهل و هفتم: هر گاه دوره ریاست جمهوری و یا دوره تقنینیه شورای ملی در حالت اضطرار ختم شود، اجرای انتخابات جدید ملتوی گذاشته شده، مدت خدمت رئیس جمهور و اعضای شورای ملی تا چهار ماه تمدید می شود.

هرگاه حالت اضطرار بیش از چهار ماه دوام نماید لویه جرگه از طرف رئیس جمهور دعوت می شود.

بعد از ختم حالت اضطرار، در خلال مدت دو ماه انتخابات برگزار می گردد.

ماده یکصد و چهل و هشتم: در ختم حالت اضطرار، اقداماتی که بر اساس مواد یکصد و چهل و چهارم و یکصد و چهل و پنجم این قانون اساسی به عمل آمده، بلا فاصله از اعتبار ساقط می گردند.

فصل دهم تعدیل

ماده یکصد و چهل و نهم: اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی تعدیل نمی شود. تعدیل حقوق اساسی اتباع صرف به منظور بهبود حقوق آنان مجاز می باشد.

تعدیل دیگر محتویات این قانون اساسی، نظر به تجارب و مقتضیات عصر، با رعایت احکام مندرج مواد شصت و هفتم و یکصد و چهل و ششم این قانون اساسی، با پیشنهاد رئیس جمهور یا اکثریت اعضای شورای ملی صورت می گیرد.

ماده یکصد و پنجاهم: به منظور اجرای پیشنهاد تعدیل، هیئتی از بین اعضای حکومت، شورای ملی و ستره محکمه به فرمان رئیس جمهور تشکیل

گردیده، طرح تعدیل را تهیه می کند.

برای تصویب تعدیل، لویه جرگه بر اساس فرمان رئیس جمهور و مطابق به احکام فصل لویه جرگه دایر می گردد.

هرگاه لویه جرگه با اکثریت دو ثلث کل اعضاء طرح تعدیل را تصویب کند، بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ می گردد.

فصل یازدهم احکام متفرقه

ماده یکصد و پنجاه و یکم: رئیس
جمهور، معاونین رئیس جمهور،
وزراء، رئیس و اعضای ستره محکمه،
لوی حارنوال، روسای بانک مرکزی و
امنیت ملی، والیان و شاروالها در
مدت تصدی و وظیفه نمی توانند هیچ
معامله انتفاعی را با دولت انجام
دهند.

ماده یکصد و پنجاه دوم: رئیس جمهور،
معاونین رئیس جمهور، وزراء، رؤسا
و اعضای شورای ملی و ستره محکمه،
لوی حارنوال و قضات نمی توانند در
مدت تصدی و وظیفه به مشاغل دیگری
اشتغال ورزند.

ماده یکصد و پنجاه و سوم: قضات،
حارنوالان، صاحب منصبان قوای مسلح
، پولیس و منسوبین امنیت ملی، در

مدت تصدی وظیفه نمی توانند در احزاب سیاسی عضویت داشته باشند.

ماده یکصد و پنجاه و چهارم: دارایی رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور وزراء، اعضای ستره محکمه و لوی حارنوال قبل و بعد از دوره خدمت توسط ارگانی که در قانون تعیین می گردد، ثبت، رسیدگی و نشر می شود.

ماده یکصد و پنجاه و پنجم: برای معاونین رئیس جمهور، وزراء، رؤساء و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، قضات و لوی حارنوال مطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین می گردد.

ماده یکصد و پنجاه و ششم: کمیسیون مستقل انتخابات برای اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آراء عمومی مردم در کشور، مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد.

ماده یکصد و پنجاه و هفتم: کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد.

اعضای این کمیسیون از طرف رئیس
جمهور به تأیید و لسی جرگه تعیین
می گردند.

فصل دوازدهم احکام انتقالی

ماده یکصد و پنجاه و هشتم: لقب بابای ملت و امتیازاتی که توسط لویه جرگه اضطراری سال یک هزار و سه صد و هشتاد و یک هجری شمسی به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان، اعطاء شده است با رعایت احکام این قانون اساسی مادام الحیات برای ایشان محفوظ می باشد.

ماده یکصد و پنجاه و نهم: مدت بعد از نفاذ این قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی، دوره انتقال شمرده می شود. دولت انتقالی اسلامی افغانستان، در دوره انتقال وظایف ذیل را انجام می دهد.

۱- اصدار فرامین تقنینی مر بوط انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی

و شورا های محلی در مدت شش ماه؛
۲- اصدار فرامین در مورد تشکیلات و
صلاحیت محاکم و آغاز کار روی قانون
تشکیلات اساسی در خلال مدت کمتر از
یکسال؛

۳- تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات؛
۴- انجام اصلاحات لازم به منظور
تنظیم بهتر امور اجرائی و قضائی؛
۵- اتخاذ تدابیر لازم جهت آماده
ساختن زمینه برای تطبیق احکام این
قانون اساسی.

ماده یکصد و شصتم: اولین رئیس جمهور
منتخب سی روز بعد از اعلام نتایج
انتخابات، مطابق به احکام این
قانون اساسی به کار آغاز می کند.
کوشش همه جانبه صورت می گیرد تا
اولین انتخابات رئیس جمهور و
شورای ملی با هم در یک وقت صورت
بگیرد.

صلاحیت های شورای ملی مندرج در این
قانون اساسی تا زمان تاسیس این
شوری به حکومت تفویض می شود و
ستره محکمه مؤقت به فرمان رئیس

جمهور تشکیل می گردد.

ماده یکصد و شصت یکم: شورای ملی، وظایف و صلاحیت های خود را به مجرد تاسیس، مطابق به احکام این قانون اساسی اعمال می کند.

بعد از دایر شدن اولین جلسه شورای ملی، در خلال مدت سی روز، حکومت و ستره محکمه مطابق به احکام این قانون اساسی تشکیل می گردند.

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان تا زمانیکه رئیس جمهور منتخب به کار آغاز کند اجرای وظیفه می نماید.

ارگانهای اجرائی و قضائی دولت با رعایت حکم فقره چهارم ماده یکصد و پنجاه و نهم این قانون اساسی، الی تشکیل حکومت و ستره محکمه به وظایف خود ادامه می دهند.

فرامین تقنینی که از آغاز دوره موقت به بعد نافذ گردیده است به اولین جلسه شورای ملی ارجاع می گردند.

این فرامین تا زمانیکه از طرف شورای ملی لغو نگردیده باشد نافذ می باشد.

ماده یکصد و شصت و دوم: این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ و از طرف رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و اعلام می گردد. بانفاذ این قانون اساسی، قوانین و فرامین تقنینی مغایر احکام آن ملغی می باشد.